



اولین مواجهه‌ی جدی او و فوتبال شاید در جام جهانی ۱۹۸۲ اسپانیا بود. جایی که او به‌عنوان یک روزنامه‌نویس در مسابقات حضور یافت و برای روزنامه‌ی ال‌پایس اسپانیا گزارش می‌فرستاد. در آن سال‌ها اسپانیا نیوکمپ را بازسازی کرده بود و یوسا هم در مواجهه با ورزشگاه جدید و بزرگ باشگاه بارسلونا نوشت: «استادیوم را نشناختم! خیلی بزرگ‌تر و مجلل‌تر شده. پیدا است که تمام سعی خود را به کار بسته‌اند که ۱۲۰ هزار هوادار فوتبال را که جایگاه‌ها را پر می‌کنند، گیج و شگفت‌زده سازند.»



مارادونا در آن سال‌ها تازه شروع به دلربایی کرده بود و یوسا را نیز عاشق خودش. نویسنده‌ی شهیر که بازی مارادونا را از نزدیک می‌دید، در مورد او نوشته: «مارادونا تقسیمی را که بین فوتبال علمی اروپایی و فوتبال هنری امریکای لاتین قائل بودیم پیچیده کرد. این فوروارد آرژانتینی در عین حال هم هر دوی این‌هاست و هم هیچ‌یک از این‌ها. ملغمه‌ی غریبی‌ست که هوش و شهود، محاسبه و ابداع پیوسته در وجودش درآمیخته است. مثل اتفاقی که در ادبیات افتاد؛ آرژانتین سبکی در فوتبال ایجاد کرده که اروپایی‌ترین بیان امریکای لاتینی بودن است. اگر به قهرمان نیاز داریم، پس زنده‌باد مارادونا.»